

اثرات زیست محیطی تغییر کاربری اراضی ناشی از فعالیت‌های گردشگری (مطالعه موردی: نواحی روستایی بخش مرکزی شهرستان تنکابن)

فرامرز بریمانی^۱، نازنین تبریزی^۲ و منصوره کریمی رستگار^۳
تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۱/۱۵، تاریخ تایید: ۱۳۹۵/۲/۱۵

چکیده

یکی از چالش‌های اساسی طی دهه‌های اخیر (۱۳۸۰-۱۳۹۰)، در نواحی روستایی کشور مسأله تغییر کاربری اراضی ناشی از فعالیت‌های گردشگری است که تبدیل به یک چالش در سطح ملی گردیده و ابعاد گسترده‌ای یافته است. اثرات زیست محیطی به‌عنوان یکی از مهمترین آنها به‌شمار می‌رود. بر همین اساس، مقاله حاضر به دنبال شناخت و تحلیل اثرات زیست محیطی تغییر کاربری ناشی از گردشگری در اراضی نواحی روستایی بخش مرکزی شهرستان تنکابن است. روش تحقیق به‌کار گرفته شده توصیفی-تحلیلی با استفاده از داده‌های عینی و ذهنی منتج از پرسشنامه تکمیل شده توسط ساکنان روستا است. داده‌های گردآوری شده توسط پرسشنامه با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS پردازش شده‌اند، و بر اساس هدف و ماهیت داده‌ها از آزمون‌های آماری تی تک نمونه‌ای و پیرسون بهره گرفته شد. نتایج یافته‌ها حاکی از آن است که ارتباط بین دو متغیر توسعه گردشگری و اثرات زیست محیطی تغییر کاربری در منطقه مورد مطالعه تأیید می‌شود اما این ارتباط از نوع معکوس است، به این ترتیب که، با توسعه گردشگری اثرات منفی زیست محیطی نسبت به اثرات مثبت آن رشد بیشتری دارند. و نیز نتایج دیگر نشان می‌دهد که تفاوت معناداری در بین یازده روستای مورد مطالعه در ارتباط با تأثیر گذاری اثرات زیست محیطی وجود ندارد.

کلیدواژگان: گردشگری، تغییر کاربری اراضی، اثرات زیست محیطی، روستاهای بخش مرکزی تنکابن.

۱. دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. f.barimani@umz.ac.ir
۲. استادیار گروه مدیریت جهانگردی دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. n.tabrizi@umz.ac.ir
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و اکوتوریسم دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. Mazandaran, IranSoori.karimi@yahoo.com

مقدمه

ارتباط مردم با زمین برابر با قدمت ظهور انسان روی زمین است (بریاسولیس^۱، ۲۰۰۱: ۶۴). انسان بسته به شرایط و موقعیت مکانی و زمانی خودش برای برطرف کردن نیازهایش از زمین استفاده می‌کند، استفاده انسان از این منابع، «کاربری اراضی» نامیده می‌شود (محمدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۸۰)، مسکن‌گزینی، فعالیت و اشتغال، برقراری ارتباط با دیگران، زندگی جمعی، آموزش و استراحت و آرامش در پاسخ به نیازهای اساسی انسان زمینه این تغییر در کاربری اراضی را بوجود می‌آورد (سعیدی، ۱۳۷۷: ۱۰۳). بنابراین تغییر کاربری اراضی نمونه‌ای مهم از تأثیرگذاری انسان بر محیط است (لانگلی^۲ و مزو^۳، ۲۰۰۰: ۴۷۳). در واقع کاربری اراضی به منظور استفاده منطقی و نظام‌پذیر از زمین‌های شهری و روستایی در آینده بلندمدت صورت می‌گیرد (منشی‌زاده و خوشحال، ۱۳۸۳: ۹۳). کاربری‌های شکل‌گرفته زمانی به صورت یک مسأله مطرح می‌شوند که در فضای جغرافیایی تضادهایی به لحاظ سازگاری و مطلوبیت داشته باشند (فردریک^۴ و روزنبرگ^۵، ۱۹۹۴: ۲۰۱). با توجه به بحث‌ها و نگرانی‌ها در مورد تغییرات زیست محیطی، تغییرات کاربری زمین در دهه‌های اخیر مورد توجه جدی قرار گرفته است (ال امین^۶ و همکاران، ۲۰۱۳). زیرا این تغییرات خسارت‌های جبران‌ناپذیری را بر اراضی مستعد وارد آورده و به عنوان عامل اصلی آسیب‌رسانی زیست‌محیطی مورد توجه است. به همین دلیل امروزه تغییر کاربری اراضی یکی از مهم‌ترین مشکلات در سطح جهانی و محلی است که سبب شده کاربری پایدار زمین به موضوع مهمی تبدیل شود (مطیعی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲).

شکل‌گیری نظام کاربری اراضی در هر جامعه و نحوه تقسیم اراضی و استفاده از آن‌ها در فعالیت‌ها و خدمات مختلف، بازتاب و برآیند عملکرد متقابل مجموعه‌ای از عوامل و نیروهای مختلف محیطی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی و غیره است (سرور، ۱۳۸۷: ۱۴۵). کاربری اراضی تحت تأثیر دو مؤلفه نیرومند شکل می‌گیرد: اول نیازهای اساسی زندگی انسان و دوم ویژگی‌ها و فرایندهای زیست محیطی که هیچ‌یک از این مؤلفه‌ها ثابت باقی نمی‌مانند بلکه متناسب با تغییرات ایجاد شده در زندگی، تغییر ماهیت می‌دهند. تغییر در الگوهای کاربری زمین که در سطوح مختلف فضایی و در دوره‌های

-
1. Briassoulis
 2. Longley
 3. Mesev
 4. Ferederic
 5. Rosenberg
 6. Al Amin

زمانی متفاوت رخ می‌دهد بیانگر تعامل و تقابل نیازهای همیشگی جوامع انسانی و محیطی با زمین هستند. این تغییرات گاه سودمند و در پاره‌ای موارد اثرات زیان بار قابل ملاحظه‌ای دارند که به واسطه این اثرات نگران‌کننده منشأ بروز آثار غیرقابل جبرانی بر میزان رفاه و آسایش جوامع انسانی محسوب می‌شوند (بریاسولیس، ۲۰۰۱: ۱). زمانی که استفاده‌کنندگان از زمین تصمیم می‌گیرند که منابع زمین را برای اهداف گوناگون خود کار برند، تغییر کاربری زمین (با اثرات مطلوب و نامطلوب) اتفاق می‌افتد. تحلیل تغییر کاربری زمین، در اصل تحلیل رابطه بین مردم و زمین است (احمدپور و علوی، ۱۳۹۳: ۱۱۴). تغییر کاربری زمین به معنی تغییر در نوع کاربری در یک چشم‌انداز است که نه تنها به تغییر نسبت مساحت از نوع کاربری زمین یعنی ساختار استفاده از زمین منجر می‌شود، بلکه به پویایی پیکره و بخش‌های چشم‌انداز مثل الگوهای کاربری زمین نیز منتج می‌شود. تغییر ساختار کاربری زمین، عمدتاً از طریق تشخیص میزان و سرعت تغییر و کاهش یا افزایش تبدیل هر نوع کاربری زمین انجام می‌شود (پنگ^۱ و همکاران، ۲۰۰۸: ۸۲۰۳-۸۲۰۲). روند تغییر کاربری اراضی، در نتیجه فعل و انفعالات عوامل متعددی چون سیاست، مدیریت، اقتصاد، فرهنگ، رفتار سازمانی و محیط است و در جوامع مختلف نقش و تأثیری که این عوامل می‌توانند در ایجاد و توسعه این پدیده داشته باشند، متفاوت خواهد بود (احمدپور و علوی، ۱۳۹۳: ۱۱۰).

گرچه ممکن است از منظر دیگر، بالا بودن هزینه‌های تولید محصولات کشاورزی و درآمدزایی کم بخش کشاورزی در قیاس با دیگر فعالیت‌ها و به‌خصوص بخش خدمات و عدم ایجاد جاذبه و انگیزه کافی مادی و معنوی برای بهره‌برداران این بخش، تمایل آن‌ها را به استمرار فعالیت‌های کشاورزی کاهش داده است. در این شرایط کشاورزان با رها کردن زمین‌های خود و یا فروش آن‌ها به دلالت سودجو و یا صاحبان صنایع و به دنبال آن مهاجرت به شهرها، علاوه بر ایجاد معضلات شهری، به‌طور ناخواسته مقدمات تغییر کاربری اراضی را فراهم می‌آورند (کلالی مقدم، ۱۱۴: ۳۹۴). همچنین به اعتقاد کانیاوسکا^۲ و همکارانش دلیل اصلی تغییرات استفاده از زمین در مناطق روستایی اسلواکی در طول سال‌های ۱۷۸۲ تا ۲۰۰۶ توسعه فناوری بوده است که در نهایت، نتیجه آن تبدیل علفزار به زمین‌های قابل کشت و تبدیل مرتع به جنگل می‌باشد (کانیاوسکا و همکاران، ۲۰۱۴).

روند رو به افزایش استفاده از تغییر کاربری زمین در سال‌های اخیر (۱۳۸۰-۱۳۹۰)، حاکی از آن است که نسبت بالایی از مناطق زیبا و بکر طبیعی در معرض تهاجم و استفاده‌های بی‌رویه قرار گرفته است و

1. Peng
2. Kanianska

در طی این مدت خسارت‌های جبران ناپذیری را به عرصه‌های طبیعی در گستره‌ی جهانی وارد کرده است. اثرات زیان‌بار بخش گردشگری در محیط زندگی از بهره‌برداری بیش از حد گردشگران از محیط‌های طبیعی ناشی می‌گردد و نابودی تدریجی سواحل، جنگل‌ها، آلودگی دریاها و از بین رفتن زمین‌های کشاورزی نمونه‌هایی از چنین اثرات است (رضوانی، ۱۳۹۱: ۱۷۹). در واقع می‌توان گفت در مقیاس جهانی، تغییر کاربری اراضی یکی از پیامدهای محیطی توسعه گردشگری شناخته می‌شود (گسلینگ^۱، ۲۰۰۲: ۲۸۴). ناپایداری اکولوژیکی و تخریب چشم‌اندازهای طبیعی و انسانی از پیامدهای کلی تغییر نامطلوب کاربری اراضی است، که از دیدگاه پایداری فرایند توسعه گردشگری را با چالش روبرو می‌کند (ایکیارا^۲ و اوکچ^۳، ۲۰۰۲: ۶۴). و به همین دلیل از مهمترین مشکلات مردم در سطح جهانی و محلی محسوب می‌شود (مطیعی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲). اثرات و پیامدهای تغییر کاربری ناشی از فعالیتهای گردشگری معمولاً شامل اثرات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی بررسی می‌شود که هیچ‌گاه جدا از یکدیگر نیستند. «اثرات اقتصادی و زیست‌محیطی در یک حوزه تعاملی با «اثرات اجتماعی» عمل می‌کند. ماتیسون^۴ و وال^۵ به اثراتی اشاره می‌کنند که از تعامل این عوامل با یکدیگر به وجود می‌آید و در واقع حاصل مناسبات پدیده‌های اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی با یکدیگر است» (رضوانی، ۱۳۹۰: ۸۹-۹۰). چنانچه این الگوهای فضایی جدید و تغییرات با محیط سازگار بوده و به آن آسیب وارد نکند یا با کمترین اثر تخریبی همراه باشد، عامل مهمی در توسعه پایدار است، یعنی اگر تغییر کاربری، برنامه‌ریزی شده توسعه و مدیریت و کنترل شود آثار مثبتی مثل: حفظ منابع طبیعی و اکولوژیکی منطقه به دلیل توجه گردشگران به طبیعت، بهبود وضعیت ظاهری روستا و بازسازی در ساخت کالبدی روستا را به دنبال خواهد داشت. اما اگر بدون هیچ برنامه مدون و به صورت لجام گسیخته و کلیشه‌ای اقدام به تغییر کاربری در مناطق روستایی شود، با آثار نامطلوبی همراه است: ناپایداری اکولوژیکی، تخریب چشم‌اندازهای طبیعی و انسانی (ایکیارا و اوکچ، ۲۰۰۲: ۶۴)، آلودگی هوا و خاک و آب، مشکل تراکم ترافیکی و ریخت و پاش زباله‌ها (آلتینای^۶ و حسین^۷، ۲۰۰۵: ۲۷۷). مواردی از این قبیل است. پنگ پا را از این فراتر گذاشته و بر این باور است که علاوه بر تخریب کیفیت زیست‌محیطی، تغییر کاربری زمین

-
1. Gossling
 2. Ikiara
 3. Okech
 4. Mathieson
 5. Wall
 6. Altinay
 7. Hussain

منجر به تشدید اختلافات بشر در لی جیانگ، نیز شده است (پنگ و همکاران، ۲۰۰۸).

اگر توسعه گردشگری مطابق با اصول برنامه‌ریزی کاربری اراضی نباشد، می‌تواند مشکلاتی را در زمینه کاربری اراضی در نواحی روستایی ایجاد نماید به طوری که تسهیلات گردشگری ممکن است زمین‌هایی را اشغال کند که برای نوع دیگری از کاربری اراضی نظیر کشاورزی مناسب است (علیقلی زاده، ۱۳۸۶: ۴۵).

تغییر کاربری اراضی نه تنها یکی از پیامدهای توسعه گردشگری است، بلکه بخش جدائی‌ناپذیر آن است (ویلیامز و شاول، ۲۰۰۹: ۳۲۶)، که می‌تواند اثرات و پیامدهای مثبت و منفی اقتصادی، اجتماعی و محیطی را در نواحی روستایی به همراه داشته باشد. بنابراین لزوم مدیریت و کنترل تغییرات کاربری به منظور کاهش اثرات منفی و تقویت اثرات مثبت اهمیت می‌یابد. روند فزاینده تغییر کاربری اراضی و اثرات حاصل از آن، زمانی حادث می‌گردد که گریبان‌گیر مناطق مستعد کشاورزی از جمله مناطق شمالی ایران شود (احمدپور و علوی، ۱۳۹۳: ۱۱۰). در نواحی روستایی بخش مرکزی تنکابن نیز تغییر کاربری اراضی ممکن است تهدیدی به شمار آید، از این جهت که در شرایط فعلی اکثر مردم آن غالباً کشاورزند و این تغییرات در اراضی مستعد، منطقه را به سمت مسکونی سوق داده، و به موازات افزایش در آمد فردی، منافع ملی در زمینه اقتصاد اکولوژیک کاهش می‌یابد که نا بهنجاری ناشی از این رخداد تبعات غیرقابل پیش‌بینی را به همراه خواهد داشت. بخش مرکزی تنکابن با توجه به گستردگی جغرافیایی یعنی از ساحل دریا تا ارتفاعات ۲۰۰۰ متری مجموعه‌ای از روستاهای ساحلی، جلگه‌ای، جنگلی و کوهستانی را دربر می‌گیرد. ماهیت کشاورزی این روستاها در سال‌های اخیر در اثر توسعه گردشگری به خصوص گردشگری خانه‌های دوم تغییر یافته و امروزه به طور محسوسی این تغییرات قابل مشاهده است. کاهش سطح اراضی کشاورزی و باغی، تغییر چشم اندازهای ظاهری، ایجاد شبکه‌های ارتباطی فرعی شخصی و تغییر انواع شغل‌ها از مهم‌ترین پیامدهایی است، که با بررسی میدانی اولیه قابل درک است. در این راستا به دلیل اهمیت این مسئله در محدوده‌ی مورد مطالعه، هدف از انجام تحقیق حاضر شناخت الگوی کاربری اراضی در محدوده‌ی مورد مطالعه در گذشته، نقش گردشگری به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار در تغییر کاربری اراضی و شناسایی اثرات زیست محیطی حاصل از تغییر کاربری اراضی در این شهرستان هست. لذا با توجه به هدف فوق این پژوهش در پاسخ به دو سوال زیر انجام می‌گیرد.

۱. آیا تغییرات کاربری اراضی ناشی از توسعه گردشگری در نواحی روستایی بخش مرکزی تنکابن، پیامدهای زیست محیطی به همراه داشته است؟

1. Williams
2. Shaw

۲. آیا بین پیامدهای زیست‌محیطی و موقعیت مکانی (جغرافیایی) روستاهای مورد مطالعه ارتباط معناداری وجود دارد؟

مواد و روش‌ها

پژوهش پیش رو به لحاظ هدف کاربردی و بر اساس ماهیت توصیفی و تحلیلی است. برای گردآوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه محقق ساخته استفاده گردیده است. برای بررسی آثار زیست محیطی ناشی از تغییر کاربری اراضی ابتدا با تکیه بر اطلاعات گردآوری شده از طریق منابع اسنادی و کتابخانه‌ای و روش‌های میدانی مشاهده الگوی نظری استخراج و شش مولفه با گویه‌های مستخرج از منابع (جدول ۱)، در قالب طیف لیکرت در مقیاس سنجش اسمی، رتبه‌ای و فاصله‌ای تهیه گردید (۰.۷۵۴). سپس با استفاده از تکنیک دلفی و بهره‌گیری از نظرات اساتید جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تبریز، تهران، مازندران، گیلان و شیراز روایی پرسشنامه مورد ارزیابی قرار گرفت و نیز برای پایایی از آزمون آلفای کرونباخ استفاده گردید. با توجه به میزان ضریب محاسبه شده ۰.۸۳۷ میزان دقت ابزار در گردآوری داده‌های پیمایشی فوق مورد تایید قرار گرفت. جامعه آماری ۱۲۷ روستا با ۱۸۵۳۷ خانوار است. با توجه به حجم گسترده آن برای جمع‌آوری داده‌های فضایی و توصیفی، نیازمند نمونه‌گیری در سطح مکانی و نمونه‌گیری از تعداد سرپرستان خانوار بوده‌ایم. برای نمونه‌گیری مکانی سعی بر این بود تا روستاهایی انتخاب گردد که شامل بیشترین تغییر کاربری بوده و همچنین از نظر پراکنش جغرافیایی قسمت‌های مختلفی از بخش مرکزی را دربر گیرد. البته مبنای انتخاب، روستاهای بالای ۲۵ خانوار بوده است. بر این اساس، ۱۴ روستای زیر ۲۵ خانوار از فرآیند تحقیق، حذف گردید و از بین ۱۱۳ روستا باقی مانده، ۱۰ درصد آن یا ۱۱ روستا با ۳۲۷۵ خانوار برای نمونه آماری در نظر گرفته شده است، و نیز برای تعیین حجم نمونه از سرپرست خانوار، بر اساس فرمول کوکران ۲۴۲ نفر تعیین گردید که در عمل ۲۰۰ نفر به آن پاسخ داده‌اند. برای توزیع پرسشنامه نیز از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده در دسترس استفاده شده است. و با کمک نرم‌افزار SPSS، آزمون‌های تی تک نمونه و پیرسون تحلیل داده‌ها انجام گرفت.

جدول ۱: شاخص‌های مورد استفاده در فرآیند پژوهش

ردیف	منابع	شاخص: اثرات زیست محیطی				
		مولفه				
		رشد فیزیکی نامناسب	تراکم ترافیک	آلودگی‌ها	تخریب محیط و چشم‌انداز	چشم‌انداز ظاهری
۱	Williams & Lawson (2001)				*	
۲	Huh & Vogt (2008)				*	
۳	Peng & et al (2008)			*		
۴	Wu (2008)		*	*		
۵	Lubowski & et al (2006)			*		
۶	Briassoulis (2000)		*	*		
۷	Marjavaara (2008)		*	*		
۸	Altinay & Hussain (2005)	*	*	*		
۹	Doiron & Weissenberger (2014)		*	*		
۱۰	Choi & Sirakaya (2005)			*		
۱۱	Choi & Murray (2010)			*		
۱۲	Frauman & Banks (2011)			*		
۱۳	Mbaiwa (2002)		*	*		
۱۴	Pizam & et al (1993)	*				
۱۵	فاصل نیا و همکاران (۱۳۹۰)	*	*	*	*	*
۱۷	قدیری معصوم و همکاران (۱۳۹۲)	*	*	*	*	*
۱۸	مهدوی و همکاران (۱۳۸۷)		*	*	*	*
۱۹	عادلی (۱۳۹۱)			*	*	
۲۰	مهدوی حاجیلویی و همکاران (۱۳۸۷)	*		*	*	
۲۲	ادبی ممقانی و همکاران (۱۳۹۳)			*		
۲۳	اکبرپور و همکاران (۱۳۹۰)	*	*	*		
۲۴	امیری (۱۳۹۳)	*	*	*		
۲۵	حسنی مهر و شاهور (۱۳۸۹)	*	*	*	*	
۲۶	رضوانی و صفایی (۱۳۸۴)	*	*	*	*	
۲۷	عشورنژاد و همکاران (۱۳۹۳)		*	*		
۲۸	ابی‌زاده (۱۳۹۲)	*	*			
۲۹	ضرابی و اسلامی (۱۳۹۰)		*			

منبع: مستخرج از منابع مختلف* و مشاهدات پیمایشی**

محدوده مطالعه شده در پژوهش حاضر، بخش مرکزی تنکابن یکی از بخش‌های سه‌گانه شهرستان ساحلی تنکابن از توابع استان مازندران است. این بخش از شمال به دریای خزر، از جنوب به دامنه‌های پوشیده از جنگل و مراتع و شهر خرم‌آباد، از سمت شرق به رودخانه ولی‌آباد که مرز بخش مرکزی و بخش نشنا دیگر بخش شهرستان و از غرب به پل چالکروود (مزر شهرستان تنکابن و رامسر) محدود

است. وسعت این بخش ۵۰۸ کیلومتر مربع است و دارای دو شهر به نام‌های تنکابن (مرکز شهرستان) و شهر شیروود است. جمعیت کل بخش ۸۶۶۹۲ نفر است که از این تعداد ۶۴/۳ درصد (۵۵۷۶۷ نفر) در نقاط شهری و ۳۵/۷ درصد (۳۲۸۵۰) در نقاط روستایی زندگی می‌کنند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰).

نتایج

برای درک کلی مؤلفه رشد گردشگری خانه‌های دوم به عنوان مستقل، ابتدا نماگرها ترکیب شده و سپس با استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای مورد تحلیل قرار گرفته است. یافته‌ها حاکی از آن است که میانگین محاسبه شده در وضع موجود (۳) بیشتر از میانه نظری محاسبه شده (۲/۵) است. بنابراین با توجه به مثبت بودن اختلاف میانگین‌ها (۰/۵۵۸۳۳) می‌توان اذعان داشت که این مؤلفه در وضعیت مطلوبی قرار دارد و نیز سطح معناداری محاسبه شده در (۰/۰۰۰) بیانگر توافق ذهنی معنادار در بین نگرش‌های جامعه نمونه است.

جدول ۲: نتایج آزمون تی برای درک مؤلفه رشد گردشگری

خطای استاندارد	انحراف معیار	میانگین	تعداد			
۰/۰۴۳۰۲	۰/۶۰۸۳۷	۳/۰۵۸۳	۲۰۰	رشد گردشگری (محسوس بودن، رشد ویلاسازی در سالهای اخیر و میزان ساخت و ساز ویلاهای غیربومی نسبت به خانه‌های بومی)		
اطمینان در سطح ۹۵٪		سطح معناداری	مقدار			درجه آزادی
تفاوت میانگین‌ها						
حد بالا	حد پایین	۰/۰۰۰	۱۹۹			۱۲/۹۷۹
۰/۶۴۳۲	۰/۴۷۳۵	۰/۵۵۸۳۳	ارزش تی (میانه مطلوب) = ۲/۵			

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴

در این خصوص، گویه‌های تأثیر ویلاسازی در بازسازی ساخت کالبدی روستا، زیبایی چشم‌انداز ظاهری، مدیریت زباله و کیفیت معابر داخل روستا از طریق آزمون تی تک‌نمونه‌ای مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مؤلفه اثرات مثبت زیست محیطی در وضعیت مطلوبی قرار دارد به طوری که میانگین محاسبه شده در وضع موجود (۲/۸) بوده است که در مقایسه با میانه نظری (۲/۵) و با توجه به مثبت بودن اختلاف میانگین‌ها (۰/۳۰۴۰۰) میزان بالاتری را نشان می‌دهد همچنین سطح معناداری محاسبه شده (۰/۰۰۰) مبین معنادار بودن یافته‌ها است (جدول ۳).

جدول ۳: نتایج آزمون تی برای درک مؤلفه مثبت زیست محیطی

خطای استاندارد	انحراف معیار	میانگین	تعداد			
۰/۰۳۶۵۳	۰/۵۱۶۶۴	۲/۸۰۴۰	۲۰۰	اثرات مثبت زیست محیطی (تأثیر ویلاسازی در بازسازی ساخت کالبدی روستا، زیبایی چشم‌انداز ظاهری، مدیریت زباله و کیفیت معابر داخل روستا)		
اطمینان در سطح ۹۵٪		سطح معناداری	مقدار			درجه آزادی
تفاوت میانگین‌ها						
حد بالا	حد پایین	۰/۰۰۰	۱۹۹			۸/۳۲۱
۰/۳۷۶۰	۰/۲۳۲۰	۰/۳۰۴۰۰	ارزش تی (میانه مطلوب) = ۲/۵			

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴

به منظور بررسی اثرات منفی زیست محیطی سیزده نماگر تأثیر ویلاسازی در تخریب پوشش گیاهی، تأثیر ویلاسازی در کاهش زمین‌های زیر کشت، تأثیر ویلاسازی در رشد فیزیکی نامناسب و غیره مطابق جدول (۴) مورد ارزیابی قرار گرفته است. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای مبین آن است که به دلیل کمتر بودن میانگین محاسبه شده در وضع موجود (۲/۳) نسبت به میانه نظری (۲/۵) و با توجه به منفی بودن اختلاف میانگین‌ها (۰/۱۷۳۰۸-) مؤلفه اثرات منفی زیست محیطی در وضعیت نامطلوبی قرار دارد اما سطح معناداری محاسبه شده (۰/۰۰۱) بیانگر معنادار بودن یافته‌ها در جامعه نمونه است.

جدول ۴: نتایج آزمون تی برای درک مؤلفه منفی زیست محیطی

تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد
۲۰۰	۲/۳۲۶۹	۰/۷۴۹۴۱	۰/۰۵۲۹۹
اثرات منفی زیست محیطی (تأثیر ویلاسازی در تخریب پوشش گیاهی، تأثیر ویلاسازی در کاهش زمین‌های زیرکشت، تأثیر ویلاسازی در رشد فیزیکی نامناسب و غیره)	درجه آزادی	سطح معناداری	اطمینان در سطح ۹۵٪
			تفاوت میانگین‌ها
۳/۲۶۶-	۱۹۹	۰/۰۰۱	۰/۱۷۳۰۸- ۰/۲۷۷۶- ۰/۰۶۸۶-
ارزش تی (میانه مطلوب) = ۲/۵			

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴

به منظور سنجش رابطه بین رشد گردشگری و اثرات زیست محیطی تغییر کاربری، با توجه به فاصله‌ای بودن متغیرها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که، بین رشد گردشگری و اثرات کلی زیست محیطی رابطه وجود دارد، به طوری که میزان همبستگی محاسبه شده (۰/۴۳۵-) و نیز سطح معناداری بدست آمده (۰/۰۰۰) بیانگر رابطه معکوس بین این دو متغیر است به این معنا که با افزایش رشد گردشگری در منطقه میزان اثرات زیست محیطی افزایش یافته است اما بین رشد و اثرات مثبت با توجه به میزان همبستگی (۰/۰۶۴) و سطح معناداری (۰/۳۶۶) رابطه‌ای معنادار وجود ندارد در مقابل بین رشد و اثرات منفی زیست محیطی در سطح خطای کوچکتر از (۰/۰۱) با سطح معناداری (۰/۰۰۰) و مقدار همبستگی (۰/۵۹۲-) رابطه‌ای معنادار اما به صورت معکوس برقرار است. به این معنی که با رشد گردشگری در منطقه مورد مطالعه اثرات منفی رشد می‌یابند (جدول ۵).

جدول ۵: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین اثرات تغییر کاربری و رشد گردشگری

مؤلفه‌ها	شرح	رشد گردشگری
مثبت زیست محیطی	مقدار پیرسون	۰/۰۶۴
	سطح معناداری	۰/۳۶۶
	تعداد مشاهدات	۲۰۰
منفی زیست محیطی	مقدار پیرسون	-۰/۵۹۲**
	سطح معناداری	۰/۰۰۰
	تعداد مشاهدات	۲۰۰
زیست محیطی	مقدار پیرسون	-۰/۴۳۵**
	سطح معناداری	۰/۰۰۰
	تعداد مشاهدات	۲۰۰

معناداری در سطح ۰.۰۱. ** Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

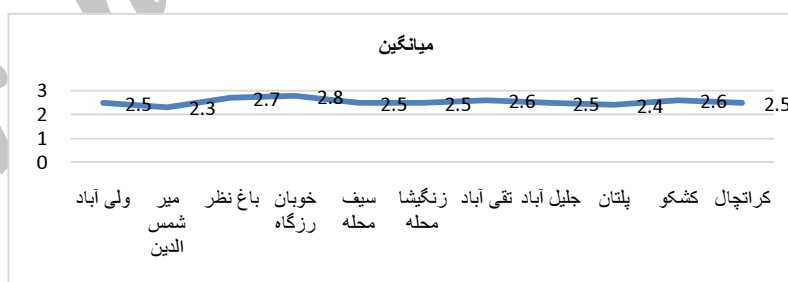
مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴

برای درک تفاوت معناداری در میزان اثرپذیری از گردشگری بین سکونتگاههای روستایی براساس موقعیت نسبی جغرافیایی از آزمون تحلیل واریانس استفاده شد و همچنین برای درک تفاوت بین گروهها و تغییرات درون‌گروهی با توجه به نتیجه آزمون مبنی بر معناداری یا عدم معناداری تفاوت میانگین متغیر مورد بررسی در بین گروهها می‌توان اذعان داشت که فرض تفاوت معنادار میانگین بین گروهها رد و در مقابل فرض یکسانی آماری آنها تایید می‌شود. زیرا مقدار آزمون فیشر (۱.۸۶۵) در سطح خطای کوچکتر از ۰.۰۱ معنادار نیست (جدول ۶).

جدول ۶: نتایج درک تفاوت بین روستاهای مورد مطالعه بر اساس آزمون تحلیل واریانس

سطح معناداری	F	Mean Square	درجه آزادی	Sum of Squares	
۰.۵۲	۱.۸۶۵	۳۹۸	۱۰	۳.۹۸۳	بین گروهی
		۲۱۴	۱۸۹	۴۰.۴۵۹	درون گروهی
			۱۹۹	۴۴.۳۴۲	کل

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴



نمودار ۲: مقایسه میزان تاثیر پذیری روستاهای مورد مطالعه (مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴)

بحث

گردشگری یکی از واقعیت‌های اقتصادی، اجتماعی انکارناپذیر دنیای کنونی ماست. این فعالیت از یک سو پاسخی است به نیازهای درونی انسان‌ها جهت تمدد اعصاب، استراحت، آشنایی با فرهنگ‌ها و بهره‌مندی از زیبایی‌ها (دهستانی، ۱۳۸۳: ۳)، و از سوی دیگر آلت‌رناتیوی (فعالیت جایگزین) برای تحرک بخشیدن به اقتصاد ملی، منطقه‌ای محسوب می‌گردد، از این رو، برخلاف گذشته که شهرهای بزرگ و تاریخی میعادگاه گردشگران به‌شمار می‌آمدند، طی دهه‌های اخیر (۱۳۸۰-۱۳۹۰)، جریان گردشگری از شهرها به‌سوی فضاهای روستایی و طبیعی بیرون از شهرهای بزرگ سوق یافته است، که این امر در توسعه نواحی روستایی تأثیر به‌سزایی داشته است فرجی درخانه، ۱۳۸۹: ۱۱۵-۱۱۴). شکل‌گیری و توسعه گردشگری در نواحی روستایی نقش عمده‌ای در کاهش سطوح اراضی کشاورزی و تغییر کاربری آنها داشته است و اغلب عاملی مهم در تغییر کاربری زمین به‌خصوص در مناطق ساحلی محسوب می‌شود. در واقع کاربری زمین برای ساخت تسهیلات پذیرایی، حمل و نقل، بندرگاه قایق‌های تفریحی، تجهیزات تفریحی (تله‌کابین، تأسیسات بالابر اسکی) خانه‌های دوم و سایر فعالیت‌های طرح گردشگری تغییر می‌کند که این روند باعث تبدیل شدن خاک‌ها و زمین‌های مناسب برای کشاورزی و همچنین جنگل‌ها و سایر منابع طبیعی به‌سایر کاربری‌ها مانند احداث تأسیسات خدماتی و اقامتی و سایر توسعه‌های متعاقب توسعه گردشگری می‌گردد (علیقلی‌زاده، ۱۳۸۶: ۷۲). تغییر کاربری و محیط زیست به یکدیگر وابسته هستند، چون محیط طبیعی بستر است و تغییر کاربری نیز اثرگذار. از گذشته‌های دور، لذت بردن از محیط‌ها (چه فیزیکی چه اجتماعی و فرهنگی) تأثیر به‌سزایی در توالی جغرافیایی گردشگری داشته است. همانطور که در طول زمان سلیقه عمومی در رابطه با انواع مختلف محیط‌های فراغتی تغییر و تحول پیدا کرد، الگوهای فضایی جدیدی از تعامل مردم و محیط نیز شکل گرفت (ضیایی، ۱۳۸۸: ۱۱۴).

مشاهدات میدانی نیز مبین این مدعاست که گردشگری روستایی بویژه در شکل نوین آن یعنی خانه‌های دوم و گردشگری روزانه در روستاهای منطقه مورد مطالعه شکل گرفته است و موجب تغییر وسیع کاربری اراضی گردید. در همین زمینه مصاحبه با مسئولان روستاها (دهیار و شورای روستا) دلالت بر تأیید این مضمون دارد به‌طوری که تعداد ویلاهای ساخته شده غیربومی در روستای ولی‌آباد ۸۰٪، میرشمس‌الدین ۲۰٪، باغ نظر و عماریه و جلیل‌آباد ۴۰٪، تقی‌آباد ۵۰٪ و پلطان ۷۰٪ اعلام شد که این خود نشان‌دهنده رشد بیش از حد گردشگری در این نواحی است (جدول ۲)، به‌گونه‌ای که رشد فزاینده و خارج از برنامه آن، با تخریب منابع زیستی از جنگل، فرسایش خاک، آلودگی منابع آب و منظرهای زیستی همراه و همزاد بوده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، نگرش جامعه محلی، به جهت درآمد پایین و بهره‌مندی آنان از آثار زودگذر اقتصادی تغییر کاری اراضی و رشد خانه‌های دوم مثبت است از

این رو آنان با فروش اراضی، به این تغییر کاربری رضایت می‌دهند. لامبین^۱، گیس^۲ و لپرز^۳ نیز در موردشناسی خود نیز نشان داده‌اند علاوه بر تصمیمات نادرست دولت، فقر و درآمد پایین مردم در گرایش به تغییر کاربری مؤثر است (لامبین و همکاران، ۲۰۰۳: ۲۰۵)، با وجود آن، به دلیل عینی و مشهود بودن آثار منفی زیست‌محیطی، ارزیابی جامعه محلی منفی است و بر اساس نتایج دیگر این پژوهش می‌توان اذعان داشت، بین رشد گردشگری و اثرات زیست‌محیطی در بعد منفی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. که این نتایج را می‌توان با مطالعات حسن‌مهر و شاهور و نیز محمداسماعیل منطبق دانست (حسنی‌مهر و شاهور، ۱۳۸۹: ۱۷۸؛ محمداسماعیل، ۱۳۸۹: ۸۱).

در منطقه مورد مطالعه سه تیپ روستاهای ساحلی، جلگه‌ای و جنگلی وجود دارد. با توجه به عوامل جغرافیایی مؤثر در افتراق مکانی، نوع گردشگری در آنها تقریباً متفاوت است به طوری که در روستاهای ساحلی گردشگری از نوع خانه‌های دوم و روزانه است در مقابل در روستاهای جلگه‌ای و جنگلی بیشتر گردشگری خانه‌های دوم رواج دارد که این شرایط موجب تغییر کاربری گسترده‌ای در این روستاها شده است. به‌عنوان نمونه روستاهای پلطان و تقی‌آباد با توجه به موقعیت مناسب و در دسترس بودن و نیز قرار گرفتن در مسیر منطقه نمونه گردشگری دوهزار، تغییرات گسترده‌تری را تجربه کرده است. از مهم‌ترین پیامدهای تغییر کاربری اراضی در این روستاها، کاهش سطح زیر کشت اراضی زراعی و باغات مرکبات و چای، تجاوز به حریم رودخانه، فرسایش خاک و نیز افت کمی آب به دلیل حضور ساکنین خانه‌های دوم در فصول گرم سال است.

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان دهد نخست؛ منطقه مورد مطالعه با رشد گردشگری روبرو بوده است. دوم؛ مؤلفه اثرات مثبت زیست‌محیطی در وضعیت مطلوبی قرار دارد به طوری که «بهبود شدن وضعیت ظاهری» بیشترین مطلوبیت را دارد. در مقابل، مؤلفه اثرات منفی زیست‌محیطی در وضعیت نامطلوبی قرار دارد به طوری که «تخریب باغات و درختان، آلودگی خاک و ساخت‌وساز بی‌رویه و کنترل‌نشده» به‌عنوان نامطلوب‌ترین نماگر و «رشد فیزیکی نامناسب» به‌عنوان نماگری با درجه پایین‌تری از نامطلوبیت شناخته شد. سوم؛ بین رشد گردشگری و اثرات زیست‌محیطی تغییر کاربری در نواحی روستایی رابطه معکوس

1. Lambin
2. Geist
3. Lepers

و معنادار وجود دارد.

در تأیید اثرگذاری مؤلفه زیست‌محیطی می‌توان به مطالعات آتیک و همکاران (۲۰۱۰) اشاره کرد، زیرا نتایج مطالعات آن‌ها نیز بر اثرات زیست‌محیطی گسترده در ابعاد کاهش زمین‌های زیر کشت، تعرض به حریم منابع طبیعی و تخریب جنگل‌های ساحلی تأکید می‌کند. همچنین می‌توان به مطالعات قدمی و همکاران (۱۳۸۸) مبنی بر تأکید بر بعد زیست‌محیطی تعرض به حریم جنگل و ساحل در اثر گردشگری اشاره کرد و در نهایت، پژوهش رمضان زاده و رضوانی (۱۳۹۴) نیز با تأکید بر ابعاد آلودگی محیط و تخریب چشم‌انداز ظاهری نیز مؤید این تحلیل است. نتایج یافته‌ها همچنین با مطالعات آلتینای و حسین (۲۰۰۵) مبنی بر آلودگی هوا و خاک و آب، مشکل تراکم ترافیکی و انباشت زباله‌ها در زمینه زیست‌محیطی ناشی از رشد گردشگری خانه‌های دوم مطابقت دارد.

بنابراین تدابیر در زمینه رشد گردشگری باید به گونه‌ای اندیشیده شود که تغییرات کاربری (خانه‌های دوم) حاصل از این رشد با کمترین اثرات منفی و تخریبی همراه باشد و پایداری منطقه را به مخاطره نیندازد. برای رسیدن به این هدف لازم است زمینه برای جذب مزیت‌های نسبی فعلی و استفاده پایدار از منابع و ظرفیت‌های موجود با حداقل پیامدهای نامطلوب جانبی فراهم گردد و این مهم در سایه بهبود کارکردهای مدیریت پایدار منابع محلی امکان‌پذیر است.



کتابشناسی

۱. ابی‌زاده، غزاله (۱۳۹۲). مقدمه‌ای بر گردشگری روستایی و توسعه پایدار گردشگری در مناطق روستایی، دانشگاه جامع علمی کاربردی مرکز فرهنگ و هنر واحد ۱۳ تهران؛
۲. احمدپور، امیر و علوی، اسماعیل (۱۳۹۳). شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های مؤثر در تغییر کاربری اراضی کشاورزی روستایی (مطالعه موردی: شهرستان ساری)، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، سال سوم، شماره ۵، صص ۱۲۰-۱۰۹؛
۳. ادبی، محمد؛ خانی، فضیله؛ سجاسی قیداری، حمدالله؛ و فرخی، سعیده (۱۳۹۳). ارزیابی اثرات توسعه گردشگری فرهنگ محور در تغییرات اجتماعی-فرهنگی مقاصد روستایی (مطالعه موردی: بخش کن، دهستان سولقان)، مجله علمی پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی، سال چهارم، شماره ۲، صص ۷۸-۵۵؛
۴. اکبرپور سراسکانرود، محمد؛ رحیمی، محسن؛ و محمدی، فاضل (۱۳۹۰). سنجش تأثیرات گسترش گردشگری بر ابعاد توسعه پایدار (مطالعه موردی: شهرستان هشتگرد)، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال اول، شماره ۳، صص ۱۰۴-۹۳؛
۵. امیری، مهدیه (۱۳۹۳). پیامدهای زیست محیطی گردشگری روستایی، سایت هامون؛
۶. حسینی‌مهر، سیده‌صدیقه و شاهور، حمید (۱۳۸۹). پیامدهای توسعه گردشگری دهستان حیران با تأکید بر تغییر کاربری اراضی در دهه ۸۵-۱۳۷۵، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی، سال سوم، شماره ۱، صص ۱۹۲-۱۷۶؛
۷. دهستانی، بهیود (۱۳۸۳). برنامه‌ریزی کالبدی گردشگری، رساله‌ی دکتری در رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس؛
۸. رضوانی، محمدرضا و صفایی، جواد (۱۳۸۴). گردشگری خانه‌های دوم و اثرات آن بر نواحی روستایی: فرصت یا تهدید (مطالعه موردی: نواحی روستایی شمال تهران)، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۴، صص ۱۲۱-۱۰۹؛
۹. رضوانی، محمدرضا (۱۳۹۰). توسعه گردشگری روستایی با رویکرد گردشگری پایدار، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم؛
۱۰. رضوانی، محمدرضا (۱۳۹۱). جغرافیا و صنعت توریسم، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ دوازدهم؛
۱۱. سرور، رحیم (۱۳۸۷). برنامه‌ریزی کاربری اراضی در طرح‌های توسعه و عمران ناحیه‌ای، تهران: انتشارات پرهام؛
۱۲. سعیدی، عباس (۱۳۷۷). مبانی جغرافیای روستایی، تهران: انتشارات سمت؛
۱۳. ضرابی، اصغر و اسلامی، صدیف (۱۳۹۰). سنجش تأثیرات اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و زیست‌محیطی توسعه گردشگری (مطالعه موردی: شهرستان مشکین شهر)، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۵، صص ۵۲-۳۷؛
۱۴. ضیایی، محمود (۱۳۸۸). جغرافیای جهانگردی، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور؛
۱۵. عادل‌لی، سمیرا (۱۳۹۱). بررسی نگرش جامعه‌میزبان نسبت به گردشگری و پیامدهای آن در یک بافت زنده تاریخی (مطالعه موردی: بافت تاریخی فهادان یزد)، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، دوره ۱۷، شماره ۴، صص ۹۴-۸۱؛
۱۶. عشورنژاد، غدیر و حیدری، زهرا و متین‌فر، حمیدرضا (۱۳۹۲). تحلیل رابطه و پیامدهای محیطی توسعه‌ی گردشگری و تغییرات کاربردی اراضی شهرستان رامسر با استفاده از پردازش تصاویر سنجنده Landsat، مجله برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، سال دوم، شماره ۱، صص ۱۴۴-۱۲۳؛
۱۷. علیقلی‌زاده فیروز جایی، ناصر (۱۳۸۶). اثرات گردشگری بر ابعاد اقتصادی و اجتماعی و محیطی نواحی روستایی (نواحی روستایی بخش مرکزی شهرستان نوشهر)، رساله‌ی دکتری در رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران؛
۱۸. فاضل‌نیا، غریب و کیانی، اکبر و رمضان‌زاده لسبویی، مهدی و افشارعمرانی، الهام (۱۳۹۰). تحلیل اثرات خانه‌های دوم بر ساختار روستاهای توریستی از نظر جامعه‌میزبان (مطالعه موردی: روستای برسه)، فصلنامه چشم‌انداز جغرافیایی در مطالعات انسانی، سال ششم، شماره ۱۵، ۱۱۹-۱۰۲؛